

کندوگاوی پیرامون ترجمه و رعایت اصول آن

در متنون پزشکی

داود حکمت پو^{*}

□ چکیده :

ترجمه در واقع علم و هنر بیان یک زبان به زبان دیگر است . ترجمه علم است چون براساس قواعد زبانشناسی استوار است و رفتاری هنری است زیرا تا حدی زیادی نیازمند طبع نویسنده‌گی ، ذوق و خلاقیت است . بنابراین شایسته است مترجم ، حين ترجمه هرگونه متنی بویژه متنون پزشکی ، از زبان مبدأ به زبان مقصد ، با کمال دقت و صرف وقت کافی از تمامی زمینه‌های علمی و آموخته‌های خویش با علاقه‌مندی و افراد اثر آفرینی که «حاصل کار ترجمه» شناخته می‌شود ، بهره گیرد .

□ گلاید واژه‌ها : ترجمه ، اصول و قواعد ، متنون پزشکی

*- کارشناس ارشد پرستاری و کارشناس مترجمی زبان انگلیسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی اراک

■ مقدمه :

همان ساختار زبان است که بعضی آن را مجموعه ساده‌ای از روابط می‌دانند، و بعضی دیگر شبکه درهم پیچیده به هم پیوسته‌ای از فعل و انفعالات متقابل درون زبانی، چندانکه از کل آنها چیزی به دست می‌آید که از فرد فرد آنها حاصل نمی‌شود(۲).

■ تاریخچه:

ترجمه تاریخچه نسبتاً پرسابقه‌ای دارد. اولین آثار ترجمه شده به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و به دوران امپراتوری قدیم مصر تعلق دارد و در غرب حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد هنگامی که رومیان قسمت اعظم فرهنگ یونانی را زیر سلطه خود درآورند، کار ترجمه اهمیت و رونق پیدا کرد. با گسترش مسیحیت کار ترجمه نقش مذهبی و مقدسی در راه انتشار کلام خدا به خود می‌گیرد. در حالی که در قرن نوزدهم ترجمه به عنوان وسیله‌ای یک جانبه جهت ارتباط بین بزرگان ادب و تا حدود کمی بین فلاسفه و دانشمندان و خوانندگان آنها در سراسر جهان به شمار می‌رفت، قرن بیستم به عنوان، «عصر ترجمه» نامیده شده است و ترقیات روزافزون علوم و نیاز متكلمین زبانهای مختلف بر میزان ضرورت ترجمه افزوده است.

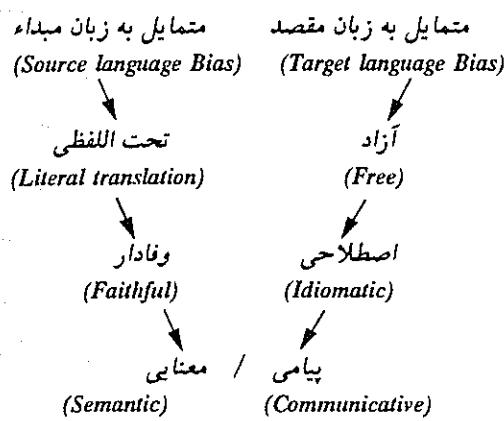
ترجمه در ایران تاریخ چندان پرسابقه‌ای ندارد. می‌توان اذعان داشت با تأسیس درالفنون و اعزام محصلین ایرانی به خارج از کشور کار ترجمه در ایران رویه فزونی نهاد تا اینکه در حال حاضر در اکثر زمینه‌های علمی و ادبی کتابها و مقالات بسیاری از زبانهای زنده دنیا به فارسی ترجمه

در یکی دو دهه اخیر، جامعه پژوهشکی ایران شاهد ترجمه و برگردان کتب و مقالات بسیار زیادی از زبانهای مختلف بخصوص زبان انگلیسی به زبان فارسی است که توسط دانشمندان، عالمان، فاضلان و بعضاً نوآموزان این رشته انجام شده است که به نوبه خود در خورستایش است. اما از آنجا که هنر و فن ترجمه نیز همانند سایر علوم دارای اصول و قواعد ویژه‌ای است، بنابراین در این مقاله سعی شده است با نگاهی گذرا به هنر ترجمه، به بررسی کاربرد اصول آن پرداخته شود تا بعنوان برگ سبزی مدنظر اندیشمندان و همکاران علوم پژوهشکی قرار گیرد. ترجمه واژه‌ای تازی است؛ و به معنی بیان کردن مطالب زبانی است به زبان دیگر؛ و از آنجاست که اسم فاعل از ترجمه متوجه است به معنی کسی که داننده دو زبان باشد که [اسخن] صاحب یک زبان را به صاحب دیگر زبان بفهماند. بنابراین ترجمه و ترجمانی کاری است هنری که نغزتر و دشوارتر از نویسنده‌گی است.

ترجمانی رفتاری هنری است که در دامنه طیفی به انجام می‌رسد: یک سوی این طیف ترجمه‌ای است که آنرا «واژه به واژه» یا تحت اللفظی می‌نامیم؛ سوی دیگر، ترجمه‌ای است که آنرا «آزاد» خوانده‌اند. ترجمه شایسته و شیوا ترجمه‌ایست که در میانه طیف جای گرفته باشد. به سخنی دیگر، آنچنانکه می‌سزد، هم ریختگرایانه باشد، هم معناگرایانه: ترجمه‌ای که در آن پیکره و اندرونی همسنگ و همتراز یکدیگر باشند؛ و یکی دیگری را نرانده باشد(۱).

منظور از ریختگرایانه که در بالا آمده است

ترجمه فن و حرفه‌ای است که طی آن سعی می‌شود یک پیام نوشتاری در زبانی را با همان پیام در زبان دیگر جایگزین بکنند. بر این اساس وی مدل زیر را در توصیف انواع ترجمه ارائه نمود:



ترجمه پامی می‌کوشد تا بر خوانندگان خود تأثیری هرچه بیشتر مشابه با تأثیر واردہ بر خوانندگان متن اصلی بگذارد. ترجمه معنایی سعی می‌کند تا آنجایی که ساختارهای معنایی و نحوی زبان مقصد اجازه می‌دهد عین معنای بافتی متن اصلی را ارائه کند. اکثر نوشه‌های غیرادبی، مطبوعاتی، کتابهای اطلاعاتی، کتابهای درسی، آگهیهای تبلیغاتی و تجاری و..... از جمله مواردی هستند که مناسب ترجمه پامی هستند. بر عکس، بیان اصلی که در آن زبان ویژه نویسنده به اندازه پیام اهمیت دارد، صرف نظر از نوع موضوع متن از قبیل فلسفی، مذهبی، سیاسی، علمی یا ادبی، احتیاج به ترجمه معنایی دارد(۴).

تأثیر ترجمه نادرست در زبان فارسی:
با انجام ترجمه گاهی واژه‌های بیگانه به ضرورت وارد زبان می‌شوند مثل سینما، رادیو،

می‌شود.

۵ تعریف ترجمه و انواع آن:

دیدگاه‌های مختلفی در ترجمه وجود دارد و تعاریف گوناگونی از آن به عمل آمده است. امروزه بسیاری از صاحبنظران بر این عقیده‌اند که مترجم خوب کسی است که به زبان مبداء (زبانی که از آن ترجمه می‌شود) و زبان مقصد (زبانی که به آن ترجمه می‌شود) و موضوع متن مورد ترجمه احاطه داشته باشد همچنین «ترجمه خوب را ترجمه‌ای می‌دانند که در آن مترجم دانسته باشد برای متن زبان مبداء نزدیکترین و مصطلح‌ترین معادل را در زبان مقصد بیابد. در چنین ترجمه‌ای نخست، انتقال درست معنا مهم شمرده می‌شود، سپس رعایت سبک»(۳).

برای نمونه، وقتی در ترجمه ذات‌الریه رنج می‌برد در حقیقت نزدیکترین معادل را یافته‌ایم، اما این معادل خود مصطلح‌ترین معادل در فارسی نیست. ما غالباً همین مفهوم را با استفاده از قالب معنایی دیگری بیان می‌کنیم: «او مبتلا به ذات‌الریه است». رعایت سبک و شیوه بیان متن مبداء در ترجمه غالباً بسیار دشوار است و باید گفت که «هرگاه در ترجمه متون علمی مترجم نتواند شیوه بیان متن مبداء را در ترجمه رعایت کند، بهتر است که تنها به انتقال صحیح معنا اکتفا کند، نه آنکه معنا را فدای سبک کند»(۴).

ترجمه «جایگزینی مواد متنی در یک زبان (زبان مبداء) با مواد متنی معادل در زبان دیگر (زبان مقصد)»(۵).

□ آماده‌ساز برای ترجمه:

علاوه بر تسلط بر زبان مادری و تسلط به زبان خارجی، توانایی تشخیص اختلافات هر دو زبان نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اینگونه اختلافات در مورد قواعد دستوری، محل کلمات در جمله، انواع جمله، تشبيهات و ضرب المثلها و.... فراوان دیده می‌شود، مثل:

- غلط = شماها آدم‌های تازه‌این؟ *You the new guys*
- صحیح = تازه وارد شماهائین؟

غلط = درم مثل رمی‌ها باش *Do as Romans while in Rome*

صحیح = خواهی نشوی رسوا، هم‌نگ جماعت شو

- غلط = مثل اسب می‌خورد *He eats like a horse*

صحیح = مثل گاو می‌خورد

- غلط = گویندگان مادری فارسی *Native speakers of farsi*

صحیح = فارسی زبانان

ولی با وجود این اختلافات چون مترجم توجه کافی به مفاهیم کلی و روح مطلب و سبک نویسنده دارد، می‌تواند طوری یک متن را از زبان مقصد ترجمه کند که اصالت آن از بین نرود و اصل امانت رعایت شده باشد^(۸).

□ تعادل ترجمه‌ها و اجزای آن:

وظیفه مترجم عبارتست از فراهم آوردن شرایط و مهیا کردن زمینه‌ای که در آن نویسنده متن اصلی و خواننده زبان مقصد بتوانند با یکدیگر به تعامل و تأثیر متقابل بپردازنند و چنین شرایط و زمینه‌ای موقعی مهیا می‌شود که متن زبان مقصد از نظر ارزش ارتباطی با متن زبان مبداء «معادل» و یکسان باشد. عوامل مؤثر بر ارزش ارتباط یک متن ۸ مقوله الف) واژگان (*Vocabulary*) ب) ساختار (ج) بافتار (*Texture*) د) معنای جمله

تلویزیون وغیره که اجتناب ناپذیر است. اما آنچه بطور مستقیم به زبان لطمه می‌زند و هرکس بعنوان یک فارسی زبان می‌تواند همت کند و جلو گسترش آنرا بگیرد ترجمه تحت‌اللفظی مفاهیمی است که معادل آنها در زبان ما وجود دارد و معمولاً توسط کسانیکه در خارج تحصیل کرده‌اند و فارسی را از یاد برده‌اند یا از آغاز نمی‌دانسته‌اند و یا بر اساس تجددگرایی عمدتاً نمی‌خواهند در متون ترجمه شده از کلمات اصیل زبان مقصد (زبان مادری) استفاده کنند رواج پیدا کرده است. مثل ترجمه «Did you take your tablet»^(۹) «آیا قرصتان را گرفته‌اید؟» که «آیا قرصتان را خورده‌اید» به نظر صحیح تر و فارسی‌تر می‌آید. نکته مهم دیگری که بایستی در این قسمت مدنظر قرار گیرد امانت در ترجمه است که مترجم گاهی عمدتاً و گاهی سهواً در قسمتها بی از متن اصلی دست می‌برد. بدان صورت که کلمه، جمله یا بخشی را که برایش نامفهوم است حذف می‌کند و یا سهواً از آن می‌گذرد مثلاً در جمله: *He will play hookey this evening*^(۱۰) با دیدن واژه *play* مترجم خود را از مراجعت به فرهنگ لغت بی‌نیاز دانسته و در برابر *to play hookey* بجای گریختن از مدرسه، در رفتن و یا جیم شدن معنی زیر را ارائه می‌دهد «امروز بعد از ظهر دزد بازی می‌کند». البته به منظور پیشگیری از بروز چنین موارد نادرستی، صاحب‌نظران تسلط به زبان مبداء و زبان مقصد و موضوع ترجمه را برای مترجم الزامی دانسته‌اند^(۱۱).

«پاسخ دادن» می‌باشد (= عصبانیت) به عنوان معنای تجربی همراه *retort* است که *façade* آن است.

آحاد معنایی - به آن معنی است که مثلاً انواع لغات آشپزی رایج در زبان انگلیسی با توجه به آحاد معنایی‌شان، زبان فارسی *façade* واژه‌های معادل برای برخی از آنهاست. در مورد *to deep fry* واژه «سرخ کردن» داریم که *façade* معنایی «روغن فراوان» است. و در مورد *to poach* «آب پزکردن» داریم که عیناً معادل واژه انگلیسی نیست زیرا در «آب پزکردن» تخم مرغ را با پوستش در داخل آب می‌جوشانند در حالی که در "poach" تخم مرغ خام بدون پوست را در داخل آبی که در حالت جوش آرام است می‌اندازند و می‌پزند.

معنای همایشی - به عنوان معنایی است که یک واژه در سایه معانی واژه‌هایی که می‌توانند با آن بیانند، پیدا می‌کنند. به عنوان مثال، واژه «فاسد» در زبان فارسی را در نظر می‌گیریم. این کلمه می‌تواند با انواع کلمات در زبان فارسی همایی داشته باشد اما تفاوت‌هایی در معادلهای انگلیسی هر یک از آنها وجود دارد که از تفاوت در ناممگونی ویژگیهای همایشی عناصر واژگانی در دو سیستم زبان انگلیسی و فارسی ناشی می‌شود:

غذای فاسد = *spoiled food* میوه فاسد = *rotten fruit*
 دندان فاسد = *decayed tooth* تخم مرغ فاسد = *addled egg*
 آب فاسد = *rancid butter* کره فاسد = *stagnant fetid water*

حکمران فاسد = *corrupt ruler*

به عبارت دیگر بدون توجه به بافت و موقعیت کاربردی نمی‌توان گفت که معادل انگلیسی مثلاً واژه «فاسد» چه می‌شود.

معنای تقابلی - یکی از روابط جانشینی بین واژه‌ها

(*Sentence meaning and Utterance*) معنای کلام (meaning) (h) گونه‌های زبانی (*language varieties*) (Presuppositions) (z) تأثیر ادراکی (Cognitive effect) (w) تأثیر ادبی (Aesthetic effect) است که بایستی در ارزیابی اعتبار معادلهای ترجمه‌ای در نظر گرفته شود و در این مقاله به توضیح سه مقوله اول که مهمترند پرداخته می‌شود.

الف) واژه‌دار:

مترجم در حد واسطه متن مبداء و متن مقصد قرار دارد و سعی می‌کند بطور فعال و خلاق برای عناصر متى زبان مبداء معادلهایی در زبان مقصد پیدا کند که از عهده ترجمه ماشینی خارج است در این راستا بایستی شرایط حاکم بر تعادل واژگانی یعنی معنای ارجاعی، معنای تجربی، آحاد معنایی، معنای همایشی، معنای تقابلی یا جانشینی، معنای ضمنی و پیش تصورات را مدنظر قرار دهد و واژه‌ای را در زبان مقصد به عنوان معادل آن واژه در زبان مبداء برگزیند که منعکس‌کننده همان شرایط در زبان مقصد باشد.

معنای ارجاعی - معنای ملموس و بنیادی هر واژه‌ای است و مترجم باید ببیند که آیا واژه مبداء و معادل ترجمه‌ای آن هر دو در جهان خارج و فیزیکی دارای مرجع یکسانی هستند یا خیر مثل درخت = *Tree* و کتاب = *Book*

معنای تجربی - لایه معنایی دیگری است که در اثر تجربه و کاربرد به دور هر واژه هاله می‌زنند. مثلاً دو واژه انگلیسی *answer* و *retort* از نظر معنای ارجاعی یکسان می‌باشند (= پاسخ دادن) در حالی که یک لایه معنایی که نشان دهنده نحوه

ترجمه‌ای واژه‌ها بایستی رعایت شود که عبارتند از:

(الف) رعایت اصل یکنواختی در انتخاب معادل

(ب) رعایت اصول واژه‌سازی زبان مقصود به هنگام وضع معادل برای مفاهیم نو

(ج) رعایت اصل مقبولیت سیاقی (واژه مقبولیت حرفه‌ای داشته باشد) (۱۱، ۱۰، ۹)

ب) عناصر ساختاری و مترجم:

مترجم باید علاوه بر واژگان زبان مبداء، ساختار آن را نیز مورد توجه قرار دهد مثلاً: *He twisted his ankle* = او مج پایش را پیچ داد در ترجمه فارسی جمله فوق، رعایت عناصر ساختاری زبان انگلیسی منجر به ترجمه‌ای شده است که در زبان فارسی مقبول نمی‌باشد ولی جمله «مج پایش در رفت» از نظر ساختاری در زبان فارسی صحیح تراست.

در طول ترجمه، مترجم باید مراقب جای صفت و موصوف (دیوار بلند = *tall wall*) جای فعل و فاعل در دو زبان (علی سبب را خورد = *Ali ate the apple*)، مطابقت فعل و ضمیر (من / ما می‌رویم *I/We go*)، مطابقت افعال مجھول و گاهی تبدیل آن به فعل معلوم در زبان فارسی (غلط = بیمار توسط پزشک ویزیت شده است).

The patient has been visited by the doctor صحیح = پزشک بیمار را معاینه کرده است) توجه به زمان افعال در متن مبداء و معادل یابی برای آنها در متن مقصود و بطور کلی برابر یابی دستوری باشد(۸).

«قابل» است و مترجم باید این رابطه را بخصوص در مورد واژه‌های به اصطلاح «هم معنا» مد نظر داشته باشد. مثلاً *Superficial* در مقابل هر دو واژه *deep* و *profound* قرار دارد ولی *shallow* تنها در مقابل *deep* قرار می‌گیرد. معنای ضمنی و پیش تصورات - مثال زیر را در نظر بگیرید:

The two prime ministers also held talks over the future of the territory.

واژه "territory" اشاره به «هنگ کنگ» دارد که نخست وزیران کشورهای انگلیس و چین درباره آینده آن به مذاکره می‌نشینند. این واژه دارای این معنای ضمنی است که «هنگ کنگ» کشور مستقلی نیست ولذا انتخاب واژه «کشور» به عنوان معادل ترجمه‌ای برای واژه *territory* از نظر معنای ضمنی غیرقابل قبول خواهد بود.

□ ساختار عناصر واژگانی:

گاهی معادل ترجمه‌ای عناصر واژگانی در دو زبان از نظر تعداد کلمات سازنده آنها با هم فرق می‌کند مثلاً کلمه *euphemism* انگلیسی در فارسی به «حسن تعبیر» ترجمه می‌شود. گاهی صورت فعلی بدون زمان (حالت وضعی) در زبان انگلیسی در فارسی به صورت فعل کامل (زماندار) ترجمه می‌شود:

اگر کلیتر صحبت بکنیم
پیش از آنکه سعی کنیم *Before attempting* گاهی ممکن است معادل ترجمه‌ای عناصر واژگانی در فارسی و انگلیسی از نظر مفرد و جمع بودن با هم معادل نباشند: اطلاعات = *Information* بطور کلی چند نکته در مورد انتخاب معادل

ج] بافتار متن و مترجم:

باعث تعادل واژگانی و یکنواخت شدن حاصل کار
ترجمه متون پزشکی در کشور شود.

□ منابع

- ۱ - کزاری، دکتر میرجلال الدین. ترجمانی و ترجمه‌بانی، انتشارات جامی، ۱۳۷۴.
- ۲ - نجفی، ابوالحسن. مبانی زبان‌شناسی، انتشارات نیلوفر، تهران، ۱۳۷۳.
3. Nida.E.A. *The theory & practice of translation*. leiden. united bible societies. 1974
- ۴ - فرج زاده، فرزانه. نخستین درس‌های ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۳.
5. Catford.C.A. *Linguistic theory of London*. Oxford university press.translation. 1975
6. New mark. Peter. *Approches to translation*. Fourth edition. Prentice Hall Co. 1988
- 7 - حسناورزاده، ظاهره. اصول و مبانی ترجمه، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۲.
- 8 - پازارکاری‌دی، دستور عالم‌الدین. فن ترجمه‌الکالیسی. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- 9 - اطغی پور ساختنی، دستور کاظم، درامدی برواحسول و روش ترجمه، مرکز نشر دانشگاهی تهران، ۱۳۷۴.
10. Bassnett, M.C. *Guire. Translation studies*. prentical Hall Co.1980
11. Jakobson .R. *Linguistic Aspects of translation*. Harward university press. 1975
12. Sultana. N . *The translation of literary texts*. New Delhi. March. 1984.

بافتار بر عکس ساختار که عناصر ساختاری درون جمله را بررسی می‌کند ساختمان متن و روابط حاکم بر جملات یک متن را شامل می‌شود که در آن باید انسجام متن، نوع سخن، خصوصیات شبیه زبانی مدنظر قرار گیرند. بطور کلی می‌توان چنین بیان نمود که اولویت شرایط تعادل ترجمه‌ای در متون علمی (خصوصاً پزشکی) معادل یابی واژگانی است، زیرا عناصر واژگانی قسمی از ارزش لغوی خود را (علاوه بر سایر عوامل درون زبانی و برون زبانی) از سیاق متن مربوطه می‌گیرند و اگر مترجم در جریان ترجمه بدون توجه به سیاق، برای واژه‌ها معادله‌ای ترجمه‌ای بیاورد کار وی منجر به پیدايش متنی خواهد شد که توسط متخصصین مربوطه قابل فهم نخواهد بود(۹ و ۱۲).

نهایت اینکه مترجم متون پزشکی باید از خود سوال کند که آیا بهتر نیست به جای انتخاب خود کلمات از متن اصلی با حروف فارسی مانند کرامپ، کنتراست، اندیکاسیون، آتروفیک، ریسک فاکتور، کانسر، درناژ، رترورگراد، رادیوتراپی، کمومترایپس، ایدیوپاتیک، اولسر، پیس میکر، پروسیجر، اسکراب، بیولوژیک و هزاران هزار واژه دیگر که در متون ترجمه شده فعلی وجود دارند؛ با اندکی سعی، معادل فارسی آنها را یافته و جایگزین نماید؟ معادلی که هم به زبان فارسی غنا بخشد و هم مورد پسند علمای علوم پزشکی قرار گیرد. در این راستا، به نظر می‌رسد تصویب دستورالعمل سراسری کاربرد معادله‌ای فارسی موجود در متن ترجمه شده